

## قطعنامه گردهمایی نمایندگان سازمانهای مرکزی و تشکیلات شهرستانها و حزبهای وابسته جبهه ملی ایران

چشم پوشی کنند و راه بی تفاوتی و مقاومت منفی را با خودداری از شرکت در انتخابات در پیش گیرند. بدیهی است چنانچه مردم همچنان با موضع گیری های منفی نهادهای انتصابی و نیمه انتصابی مواجه باشند، بیم آن می رود که اعتراض آرام و مسالمت آمیز آنان تغییر جهت داده و ابعاد گسترده تری پیدا کند.

۵- مجلس و دولتی که با رای اقلیت مردم روی کار آید، نه تنها از پایگاه مشروعیت مردمی بی بهره و از لحاظ بین المللی نیز بی اعتبار خواهد بود، بلکه باعث ایجاد جنبش های رادیکال و کشاندن جامعه به بحرانهای خطرناک خواهد شد.

۶- موضع گیری ها و خط مشی جاری قوه قضائیه، با اصل موازنه و کنترل سه قوه، که پایه یک نظام جمهوری است، مغایر می باشد. نادیده انگاشتن حقوق اجتماعی و سیاسی مردم ایران و زیر پا گذاشتن اصول و هنجارهای پذیرفته شده در اعلامیه ها، کنوانسیون ها و میثاقهای بین المللی، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، که دولت ایران نیز به آنها ملحق گردیده و جزوی از حقوق یکایک مردم ایران شده، قوه قضائیه را تبدیل به یک نهاد سیاسی و غیر عادلانه کرده است.

۷- مخالفت شورای نگهبان با الحاق به کنوانسیون های منع شکنجه، حقوق و رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، در حالیکه حقوق نیمی از شهروندان را نادیده انگاشته، جامعه ایران را نیز رو در روی جامعه جهانی قرار داده و کشور ما را با عنوانهای یاغی و قانون ستیز معرفی کرده است.

۸- با اینکه در جهان امروز نقش و مشارکت زنان در اداره امور جامعه روزافزون و پذیرفته شده است، در کشور ما آنان هنوز از تبعیض فاحش در بسیاری زمینه ها رنج می برند. حتی کنوانسیون حقوق و رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، که به تصویب مجلس شورا رسیده، بعلت مواضع قرون وسطایی شورای نگهبان در مخالفت با آن متوقف شده است. جبهه ملی ایران خواهان و پیگیر رفع محدودیتها، تضییعات و تبعیضات علیه زنان ایران و حضور و مشارکت آنان در

تمامی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می باشد.

۹- حاکمیت، در طول دوران پس از انقلاب، به منظور تثبیت قدرت و موقعیت انحصارگرایانه خود، سیاست خارجی کشور را گروگان منافع و مقاصد گروهی و بهره برداری های مورد نظر خود قرار داده است. از اینرو، ملت ایران فرصت های درخشان بسیاری را یکی پس از دیگری از دست داده، و چه بسا برخی از این فرصت ها که تبدیل به تهدید علیه منافع و مصالح کشور گردیده است. ما باور داریم که بایستی تعریف جدید و روشنی از استراتژی سیاست خارجی کشور، بر پایه منافع ملی ارائه کرد تا در زمینه هایی چون رابطه منطقی با قدرتهای مطرح جهان و منطقه، دستیابی صلح جویانه به انرژی هسته ای، حفظ منافع ایران در خلیج فارس و دریای مازندران، مسئله غرامت جنگ عراق و ... بتوان به راه حل های مطلوب دست یافت؛ باشد که از شرایط بحران خارج شویم و کشور را در مسیر حفظ منافع و پیشرفت و اقتدار ملی هدایت کنیم.

۱۰- تورم دورقمی، بیکاری مزمن، فرار مغزها، فقر روزافزون، فساد مالی، ناامنی اقتصادی، تبعیض، انحصارات ناپیدا، ناتوانی مدیریتی و حاکمیت افراد بی صلاحیت، دشواریهای بنیادین اقتصاد ایران هستند. تازمانیکه امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران برقرار نشود، سرمایه گذاری داخلی و خارجی در تولید صورت نخواهد گرفت. کشور ایران، با وجود داشتن ثروت عظیم خدادادی و استعدادهای درخشان، هنوز متکی بر اقتصاد تک محصولی است و حتی از محل درآمد نفت نیز تا بحال اقدام مثبت و موثری در راستای تنوع بخشیدن و گسترش تولید و پویاسازی اقتصاد ملی صورت نگرفته و همچنان جامعه بسوی فقر و فساد بیشتر سوق داده میشود.

۱۱- ما خواستار آنیم که زندانیان سیاسی بی هیچ قید و شرطی آزاد شوند. زندان و شکنجه هرگز اندیشه را محدود نخواهد کرد، و هیچ حکومتی در جهان تاکنون نتوانسته با محدود کردن و محبوس کردن اندیشمندان، اندیشه آنان را از جامعه بزدايد و عمر خود را ابدی سازد.

۱۲- ما خواهان آنیم که همه نشریه هایی که بدون تشکیل دادگاه یا بدون حضور هیئت منصفه توقیف

شده اند، هرچه زودتر اجازه انتشار خود را بازبند و بکار پیام رسانی تاثیر گذار خود برکنار از فشارهای حاکمیت و دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی قوه قضائیه، ادامه دهند.

۱۳- دانشجویان و جوانان کشور مهمترین سرمایه ملی ما و نیروی پویای جامعه هستند. ما از حاکمیت می خواهیم که فشارهای خود را از روی این بخش توانمند جامعه، بویژه در دانشگاهها، بردارد و به آنها اجازه ابراز وجود و مشارکت در سرنوشت جامعه بدهد. تحمل جوانان نامحدود نیست و این فشارهای بی امان یا آنان را از جامعه گریزان و یا تبدیل به نیروی چنان بحران ساز خواهد کرد که حاکمیت هرگز با قوه قهریه خود یارای ایستادن در برابر آنرا نخواهد داشت.

۱۴- با سردرگمی و در نهایت توفیق نیافتن جریان اصلاح طلبانه ای که از درون حاکمیت برخاسته بود، و با توجه به تضادهای فراوانی که ماهیت این حاکمیت با آزادی، حقوق فردی، مردم سالاری و منافع ملی دارد، ما بر این باور هستیم که این حاکمیت و نظام جاری اداره کشور در عمل نتوانسته در راستای خواستههای اکثریت عظیم مردم ایران و دستیابی به مردم سالاری گام بردارد و در برابر اصلاحات مورد نظر نیروهای ملی و اکثریت ملت سر تمکین فرود آورد. از اینرو، ما از حاکمیت می خواهیم که پیش از اینکه اوضاع کشور به نقطه بی بازگشت برسد، به انجام یک همه پرسی آزاد که در آن مردم بتوانند ساختار و نظام دلخواه خود را برگزینند تن در دهد. شاید که با تمکین به این خواسته، مردم ایران، و نیز نسلهای آینده، آنان را برای همه آسیب هایی که به کشور و آینده ایران زده اند ببخشند.

۱۵- ما باور داریم که، در شرایط بحرانی کنونی کشور، سازمانها و نیروهای ملی و مردمی زیر فشار حاکمیت، می بایست در یک هماهنگی همه جانبه برای ایجاد یک جریان توانمند در راستای بسامان رسانیدن دگرگونیهای بنیادین جهت برون شد از بحران گام بردارند، باشد که سرخوردگی و بی تفاوتی کنونی از جامعه رخت بریندد و ملت ایران توفیق یابد در مسیر دستیابی به بهروزی و سرفرازی گام بردارد.

کمیته تدوین قطعنامه پلنوم جبهه ملی ایران:  
ادیب برومند، دکتر داود هرمیداس باوند، دکتر محسن فرشاد، مهندس کورش زعیم، مهندس نظام الدین موحد، دکتر پرویز ورجاوند.